

دو معبر تاریخی جولاہ و داریال

بسم

دکتر رحیم هویدا

(استاد دانشگاه تبریز)

بسیاری از معابر تاریخی که زمانی گذرگاه سرداران و سپاهیان دوره‌های پرنشیب و فراز تاریخ بوده‌اند اکثراً با گذشت زمان و یا با ایجاد راه‌ها و گذرگاه‌های جدید متروک گشته و بدست فراموشی سپرده شده‌اند اما برخی از آنها از زمانهای باستانی تا زمان حاضر نظر بموقعیت جغرافیائی و وضعیت استثنائیشان نه تنها اعتبار و ارزش خود را از دست نداده‌اند بلکه با گذشت قرون و اعصار اهمیت تاریخی گذشته را حفظ نموده و هنوز هم معبر و گذرگاه منحصر بفرد نظامی و تجارتنی و اقتصادی میباشند. یکی از آن معابر معبر جولاہ

است که از زمان قدیم حتی از دوره هخامنشی راهی بوده که ایلات قفقاز را بمرکز ایران وصل مینموده است.

عده‌ای از باستان‌شناسان معتقد هستند که قوم آریائی هند و اروپائی از راه قفقاز بایران آمده‌اند و چنین می‌پندارند که همین راهها ایشانرا بفلات ایران رهنمون بوده است.

معبر جولاه که همان راه باستانی قفقاز است آذربایجان را براه‌های قدیم داریال و دربند متصل میسازد.

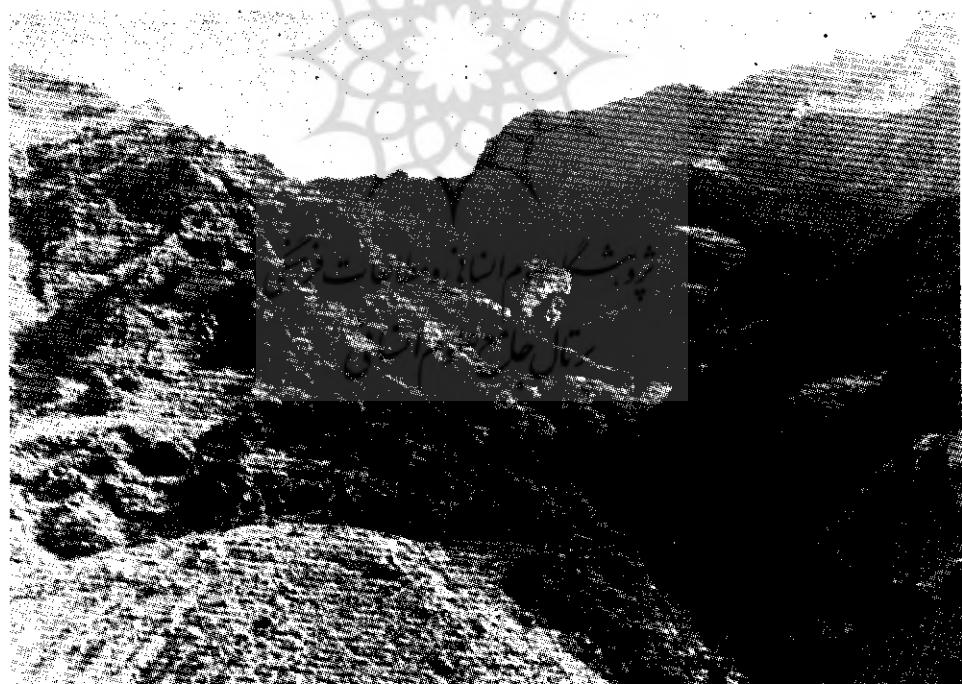
برای اینکه با اهمیت معبر جولاه پی ببریم ناچاریم نظری کوتاه بموقعیت جغرافیائی و گسترش طبیعی این گذرگاه تاریخی بیافکنیم:

وضع دره ارس و امتداد کوه‌های جوانب آن که بکوه‌های ارسباران در جنوب و بارتفاعات قراباغ در شمال ختم میشود عبور و مرور در هر مکانی را، از آزارات گرفته تا حدود خداآفرین، غیر ممکن ساخته است و بغير از سه گذرگاه در طول رودخانه ارس که قابل عبور باشد راهی برای عبور و مرور قوافل تجارتي یا لشکریان وجود ندارد زیرا بکمرشته ارتفاعات از جانب ما کو در امتداد شرق و غرب بموازات ارس کشیده شده و يك حصار طبیعی مستحکم و صعب‌العبور میان رودخانه ارس و فلات آذربایجان ایجاد نموده است که راه عبور و مرور را در همه جا ممکن نمیسازد.

در طول دره ارس از دشت زنکنه گرفته تا آخرین حد رودخانه در دشت مغان سه گذرگاه طبیعی وجود دارد که بواسطه عوامل معرفت‌الارضی و فرسایش رودخانه‌ها در این ارتفاعات صعب‌العبور ایجاد گشته و از زمانهای باستانی راه‌های طبیعی و معابر اصلی محسوب میشده بطوریکه از زمان دولت هخامنشی اهمیت سوق‌الجیشی داشته و بدقت حفظ و حراست می‌گردیده است. این گذرگاهها که در شمال آذربایجان قرار گرفته به ترتیب از غرب بشرق در امتداد رودخانه ارس عبارتند از راه پلدشت (عربلسابق) کسه در



مدخل معبر جولاه در حد دره دیز (دره دز) که به معبر جولاه منتهی میشود. این راه تنها راهیست که خلیج فارس را به اران و ارمنستان می پیوندد و اقصر فاصله بین فلات آذربایجان و قفقاز میباشد. برج نگهبانی قدیمی در عکس در وسط کوه دیده میشود



قسمت وسطای معبر جولاه در حد دره دیز با تخته سنگها و ارتفاعات صعب العبور که فعلا راه آهن ایران به جلفا و همچنین راه شوسه از دل این کوهستان میگذرد.

شمال خوی و ماکو و در برابر نخبجوان قرار گرفته و دومی معبر جولاه است که در شمال تبریز قرار دارد و آخرین معبر راه خدا آفرین است که راه ارسباران محسوب می‌شده و در شمال اهر قرار گرفته است.

در میان این سه گذرگاه معبر جولاه کوتاهترین و سهل‌الوصول‌ترین راهی است که مرکز ایران را به قفقاز و ارمنستان و داغستان و گرجستان مرتبط می‌سازد و بهمین جهت است که راه شوسه و راه آهن دولت شاهنشاهی در حال حاضر از این معبر گذشته و برای راه آهن و راه شوسه ماوراء قفقاز در حد جلفا متصل می‌شود. اهمیت معبر جولاه علاوه بر مواردی که ذکر شد بلحاظ دهلیز و معبر معروف دره دز (دره دیز) بطول شش کیلومتر می‌باشد که از میان یک دهلیز کوهستانی بهمین نام عبور می‌کند. فاصله معبر جولاه که بالاخره به دو شهر جلفای قدیمی (در خاک شوروی) و جلفای ایران منتهی می‌شود از نصف النهار گرینویچ ۴۵ درجه و ۳۷ دقیقه شرقی و از خط استوا ۳۸ درجه و ۵۴ دقیقه می‌باشد و ارتفاع آن از سطح دریای آزاد ۷۰۶ متر است.

برای استفاده از معبر جولاه و گذرگاه دره دز در دورانهای تاریخی شواهد بسیاری هست اما قدیمترین قومی که از معابر دربند و داریال گذشته و از معبر جولاه وارد آذربایجان شده‌اند بنا بنوشته هردوت، سکاها می‌باشند چنانکه در تاریخ ایران باستان از قول هردوت تحت عنوان «سکاها از کجا به ایران حمله کردند» چنین مینویسد:

راجع باین تاخت و تاز سکاها در ماد و آسیای صغیر باید عقیده داشت که آنها از طرف قفقازیه بطرف جنوب متوجه شده و از دربند گذشته به قفقازیه و آذربایجان کنونی حمله کردند.^۱

و مسلماً راهی که سکاها پس از عبور از قفقاز بآذربایجان انتخاب

۱- تاریخ ایران باستان جلد اول صفحه ۱۸۳

کرده‌اند همان معبر جولاء بوده که از دهلیز دره دیز بداخله فلات منتهی
میشده است .

یکی دیگر از شواهدی که از زمانهای باستان قابل ذکر است جنگی
است که بین قوای ایران و روم در نزدیکی تبریز در گرفته و بشکست
آنتونیوس منتهی شده و آنتونیوس بفکر گریز افتاده است و پارتیان به تعقیب
رومیان پرداخته و در کنار ارس از تعقیب آنان دست برداشته‌اند و در این
جنگ از رومیان سی و دوهزار نفر تلف شده و بالاخره آنتونیوس با آرتی-
وازده پادشاه ماد در سال ۳۳ ق.م در کنار رود آراکس (ارس) ملاقات نموده
و با او پیمان دوستی بسته است . ۲

چنانچه در بالا ذکر شد مسلماً سردار رومی پس از شکست در حوالی
تبریز نزدیکترین راهی که می‌توانسته است از آنجا خود را بکنار رودخانه
ارس برساند همان راه تبریز، مرند و عبور از معبر دره دیز بوده که بالاخره
بفاصله در حدود ده کیلومتر به معبر جولاء و کنار رودخانه منتهی میشود.
همچنین در زمان ساسانیان مذاکراتی که با دولت روم شرقی جهت
حفاظت معبر داریال قفقاز صورت گرفت انتهای همین راههایی بود که از
کرانه های ارس می گذشت و بکوههای قفقاز منتهی میشد زیرا معبر داریال
که در گرجستان واقعست اقوام وحشی شمالی از آنجا عبور کرده و متصرفات
ساسانی و روم را مورد حمله قرار میدادند .

علاوه بر اینها در طی قرون تاریخ همین راهها مورد استفاده نظامی و
لشکر کشی قشون اسلام و امیر تیمور و شاه عباس و نادر شاه و آغامحمدخان-
قاجار بوده همچنین در موقع جنگهای ایران و روس و سپس در دو جنگ
بین المللی اول و دوم معبر و گذر گاه قشون قرار گرفته است که ما در اینجا
بچند مورد از آنها اشاره می کنیم :

پس از آنکه شاه عباس در سال ۱۰۱۲ هجری قمری شهر تبریز را گشود ایالت این خطه را بذوالفقارخان و مرند را بجمشید سلطان دنبلی که مدتی بود در ملازمت شاه عباس بسر میبرد سپرد و حکومت مراغه را بشیخ حمیدر واگذار نموده هم چنین چراغ سلطان کرامپای استاجلورا بافوجی از جنود ظفر ورود بکنار آبارس فرستاد که جولاه را محافظت نموده از لشکر نخجوان و ایروان خبردار شده و سوانح حالات را به عرض برساند^۳ راجع به جولاه اسکندر بیگ تر کمان در عالم آرای عباسی هنگام ورود جفال اغلی سنان پاشا بحدود نخجوان چنین مینویسد:

والقصه چون لشکر روم^۴ بایروان رسید موکب همایون در رودخانه وادی نزول داشت از این منزل مقصود سلطان کنگرلو حاکم نخجوان بکوچانیدن اهالی آن ملک و طهماسب قلی بیگ غلام خاصه شریفه را بکوچ دادن اهالی جولاه مأمور فرمودند مردم بلده نخجوان کوچ کرده بمحال دزمار و قراجه داغ رفتند و مردم جولاه اگر چه تعلق تمام بدان مقام و مسکن قدیم ایشان بودند اشتند اما در اینوقت بجهت صیانت حال و حفظ اموال طوعا و کرها کوچ کرده بعراق رفتند و در دارالسلطنه صفاهان جنت نشان در کنار زاینده رود مسکن ایشان قرار یافته بتدریج خانه های بتکلیف باغچه دار عمارت نمود.^۵

در جای دیگر باز صاحب عالم آرای عباسی بمعبر جولاه اشارتی نموده و چنین نوشته است.

.... و چون رایات جلال بنخجوان رسید بجهت آنکه یکروز در آنجا توقف نموده جمعی را بجست و جوی غله و ذخایر مأمور گردانیدند و بحسب تقدیر آسمانی شهر و مواضع و مزارع قریبه از حلیه آبادانی افتاده جائی که قابلیت نزول داشته باشد نمود و مهره ارباب تنجیم سلف خصوصاً ملا محی الدین

۳- عالم آرای عباسی جلد دوم چاپ تهران ۱۳۳۵ شمسی صفحه ۶۴۳.

۴- منظور نیروی عثمانی است.

۵- عالم آرای عباسی ج ۲ صفحه ۶۶۸.

انار و پیازی کرمان در احکام قران علویمین که در همین سال وقوع یافت تصریح بگشته و آشوب نموده بود اکثر در آذربایجان بفعل آمده خرابی بنخجوان و بعضی محال راه یافت روز دیگر از آنجا کوچ کرده از معبر جولاه از آب ارس عبور نموده از دره دز گذشته در محل مناسب رحل اقامت انداختند و منتظر بودند که چون لشکر روم از آب ارس عبور نمایند باجمعی از مبارزان جنود اقبال که در رکاب ظفر انتساب حاضر بودند دهنه گریوه که گذرگاه نیکست بمقابله و مقاتله خصم پردازند که آن چه در تمشیت الهی بوده باشد بحیز ظهور آید.^۶

شاردن هنگام گذشتن از ارس چنین مینویسد :

.... با شتر از ارس میگذرند گذار در نیم فرسنگی جلفا در محلی که بستر رودخانه بسیار پهن و جریان آب در آنجا خیلی آرام میباشد واقع شده است.^۷ یکی دیگر از قدیمی ترین معابر و تنگه ها که از آن میتوان نام برد معبر یا تنگه داریال میباشد که در گرجستان فعلی شوروی مابین کوههای واقعه مابین دریای خزر و دریای سیاه که بصورت دیواره بسیار مرتفع سر بآسمان کشیده است و این دیوار کوهستانی راههای میان شمال و جنوب را مسدود ساخته و فقط یکراه را باز گذاشته که همان معبر یا تنگه داریال است.

داریال در زبان گرجی بمعنای درب آهنین است و در زبان ترکی از آن بعنوان دمیر قاپو^۸ یاد شده است از مورخان قدیم نخستین کسی که از این سد یاد کرده جهانگرد معروف «یوسف» است که در قرن اول میلادی میزیسته و پس از او پروکوپیوس Procopius مورخ معروف در قرن ششم میلادی آنجا را دیدن کرده و شرحی هم راجع بسد مزبور نوشته است.^۹

۶- ایضاً عالم آرای عباسی صفحه ۶۶۹

۷- سیاحتنامه شاردن جلد ۲ ص ۳۹۴

۸- دمیر بمعنای آهن و قاپو در زبان ترکی به معنای درب است .

۹- قصص قرآن تألیف صدرالدین بلاغی صفحه ۳۶۴ .

در قرآن کریم نیز راجع بسد مزبور اشارتی رفته و میفرماید
 وَثُمَّ اتَّيَعْتِ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ
 قولاً، ۱۰.

در اینجا اشاره به ذوالقرنین است که یعنی ذوالقرنین همچنان پیشروی
 خود را ادامه داد تا چون بمیان دو سد رسید در آنجا قومی را یافت که
 کوهستانی و وحشی و فاقد عقل و فهم و مدنیت بودند و مقصود در اینجا
 از دو سد در آیه شریفه تنگه‌ای در کوههای قفقاز است و درست راست قفقاز
 دریای خزر قرار دارد که راه قسمت شرقی آنرا مسدود میسازد و در میان
 دو دریا سلسله کوههای بلندی است که بصورت دیواری طبیعی درآمده و با
 این ترتیب جز تنگه میان آن کوهها راهی برای مهاجمین شمال موجود
 نمیشد. بدین علت هم کوروش در این تنگه سدی آهنین ساخت و راه را
 بر مهاجمین و قوم وحشی غارتگر مسدود ساخت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی